



The Conceptual Model of the Components of Spiritual Intelligence and the Methods of Strengthening It in Safiha Sajjadiyeh¹

Zahra Abyar¹ 

1. PhD in Religions studies and teacher of education, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran.
Email: abyar.z114@gmail.com

Abstract

Spiritual intelligence is a relatively new and expanded concept in psychology, philosophy, and social sciences. Spiritual intelligence is known as the ability to understand and pursue meaning, purpose and deep values in life. Instead of focusing on cognitive abilities such as logic and solving problems, this type of intelligence focuses on trying to find meaning and connection with spiritual dimensions in life. In other words, spiritual intelligence deals with deep questions such as the meaning of life, relationships with others, personal values and spiritual matters. Religious texts, especially the prayers of Sahifa Sajjadiyeh, have a lot of potential to strengthen and benefit from spiritual intelligence in important issues of life. Considering the importance of this issue, in this research, in a

1 . **Cite this article:** Abyar, Z. (1402 AP). The conceptual model of the components of spiritual intelligence and the methods of strengthening it in Safiha Sajjadiyeh. *Journal of Islamic Spirituality Studies*, 2(4), pp. 9-46. <https://doi.org/10.22081/jf.2024.67413.2708>.

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 06/09/2023 ● **Revised:** 30/01/2024 ● **Accepted:** 14/02/2024 ● **Published online:** 17/03/2024

© **The Authors**



qualitative study, the components of spiritual intelligence and its conceptual model were analyzed using the theme analysis method, and six comprehensive themes were obtained including self-reflection, motivation and intention, option and choice, activity, pragmatic worship and acceptance and flexibility. The conceptual model of spiritual intelligence in Sahifa shows that the awareness of oneself and the human environment is the starting point for the development of spiritual intelligence. Intention and motivation, strength and physical and mental ability of people in pursuing spiritual goals and performing actions related to them are considered as vital sources for advancing spiritual issues and personal growth. This component, along with the power of choice and action and considering service to others as worship, has an important effect on human actions, which in a continuum increases the power of acceptance and flexibility of man in facing the problems and obstacles of life.

Keywords

Sahifa Sajjadiyeh, spiritual intelligence, Imam Sajjad, spirituality, intelligence, thematic analysis, conceptual model.

الگوی مفهومی مؤلفه‌های هوش معنوی و روش‌های تقویت آن در صحیفه سجادیه^۱

زهرا آبیاری^۱ 

۱. دکتری دین‌پژوهی و مدرس معارف، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Email: abyar.z114@gmail.com



چکیده

هوش معنوی، مفهومی به‌نسبت جدید و گسترش یافته در حوزه‌های روان‌شناسی، فلسفه، و علوم اجتماعی است. هوش معنوی به‌عنوان توانایی درک و پی‌گیری معنا، هدف و ارزش‌های عمیق در زندگی شناخته می‌شود. این نوع از هوش به جای تمرکز بر توانایی‌های شناختی مانند: منطق و حل مسائل، بر تلاش برای پیدا کردن معنا و ارتباط با بُعدهای معنوی و روحانی در زندگی تمرکز دارد؛ به عبارتی، هوش معنوی به ارتباط با پرسش‌های عمیق مانند معنای زندگی، ارتباط با دیگران، ارزش‌های شخصی و امور معنوی می‌پردازد. متون دینی به‌خصوص دعای صحیفه سجادیه دارای ظرفیت بسیاری برای تقویت و بهره‌گیری از هوش معنوی در مسائل مهم زندگی است. نظر به اهمیت این مسئله، در این پژوهش در مطالعه‌ای کیفی، با روش تحلیل مضمون مؤلفه‌های هوش معنوی و الگوی مفهومی آن مورد واکاوی قرار گرفت و شش مضمون فراگیر: «بازاندیشی خود»، «انگیزه و نیت»، «اختیار و انتخاب»، «کنش مندی»، «عبادت عمل‌پرور» و «پذیرش و انعطاف» به‌دست آمد. الگوی مفهومی هوش معنوی در صحیفه نشان می‌دهد که، آگاهی از خود و محیط اطراف انسان نقطه شروع برای توسعه هوش معنوی

۱. **استناد به این مقاله:** آبیاری، زهرا. (۱۴۰۲). الگوی مفهومی مؤلفه‌های هوش معنوی و روش‌های تقویت آن در صحیفه سجادیه. معنویت‌پژوهی اسلامی، ۲(۴)، صص ۹-۴۶. <https://doi.org/10.22081/JSR.2024.67313.1042>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

است. نیت و انگیزه، قدرت و توانایی جسمی و روحی افراد در پی‌گیری اهداف معنوی و انجام اعمال مرتبط با آن‌ها به‌عنوان منبع حیاتی برای پیشبرد مسائل معنوی و رشد شخصی تلقی می‌شود. این مؤلفه در کنار قدرت انتخاب و عمل و عبادی‌دیدن خدمت‌به‌دیگری، تأثیر مهمی بر کنش‌مندی‌های انسان دارد که در یک پیوستار موجب بالارفتن قدرت پذیرش و انعطاف انسان در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی می‌شود.

کلیدواژه‌ها

صحیفه سجادیه، هوش معنوی، امام سجاد علیه السلام، معنویت، هوش، تحلیل مضمون، الگوی مفهومی.

۱. طرح مسئله

در دین اسلام معنویت همزاد انسان تلقی می‌شود بدین معنی که دین و معنویت پیوندی ناگسستی دارند. نیاز به دین و معنویت برای آرامش روانی یکی از اهداف سنت‌های دینی و معنوی است و آرامش روانی انسان تنها بخشی از هدف سیر و سلوک معنوی دانسته می‌شود. در سال‌های اخیر مطالعه روان‌شناسی دین و موضوعات معنوی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه صاحب نظران و متخصصان بوده است. بیشترین مطالعات انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی دین، تحقیقات در زمینه دین و معنویت و سلامت روان است که رابطه مثبت باورهای دینی و معنویت با سلامت روان افراد به اثبات رسیده است. در همین راستای مطالعات دینی و معنوی، مفهوم جدیدی تحت عنوان هوش معنوی (spiritual intelligence) وارد حوزه روان‌شناسی دین شده است.

هوش معنوی برای اولین مرتبه در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز^۱ و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط امونز^۲ در کتابی تحت عنوان: روان‌شناسی امر غایی: انگیزش و معنویت در شخصیت^۳ به کار رفت. از نظر امونز، هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به هدف است (Emmons, 2000, pp. 327-324). نظر به اهمیت جایگاه هوش معنوی در زندگی امروزی، محققان در این زمینه مطالعاتی داشته‌اند. قنبری و کریمی (۱۳۹۵) در مقاله «مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج‌البلاغه» به این نتیجه رسیده است که خودآگاهی، خودانگیختگی، ارزش محوری، کل‌نگری، دگر خواهی، استقلال رأی، تواضع و فروتنی، احساس رسالت برخی از مؤلفه‌های قابل استخراج در نهج‌البلاغه است. عسکری و زری و زارعی‌متین (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان «هوش معنوی و نقش آن در محیط کار با تأکید بر آموزه‌های

۱. Stevens

۲. Emmons

۳. *The Psychology of the Ultimate Concern: Motivation and Spirituality in Personality*

دینی» به این نتیجه رسیده است که افراد دارای هوش معنوی قوی از ویژگی‌هایی چون علاقه به داشتن یک زندگی آرام و دل‌نشین، عشق به کار و زندگی، خلّاقیت و نوآوری در کسب و کار، تشنه خدمت به هموعان و عدم وابستگی به اطرافیان برخوردار بودند. قربان‌زاده (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «هوش معنوی بر عملکرد کارکنان در سازمان» ابتدا مفهوم هوش معنوی را تشریح کرده سپس به جنبه‌های شناختی هوش معنوی در سازمان پرداخته است.

زارعی و حاجیلو (۱۳۹۴) در مقاله «هوش معنوی از نگاه اسلام و مکاتب غربی» به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های موجود در هوش معنوی اندیشمندان غربی همگی به‌نوعی در مؤلفه‌های اسلامی موجود هستند و چه‌بسا از دیدگاه اسلام هوش معنوی کامل‌تر و عمیق‌تر بیان شده که می‌تواند راحت‌تر به حل مسائل موجود بپردازد. شایسته و حسینی شاهرودی (۱۳۹۶) در مقاله «هوش معنوی، مؤلفه‌ها و مبانی آن در حکمت متعالیه» به این نتیجه رسیده است که با توجه به دستگاه فکری ملاصدرا سازه هوش معنوی در قالب واقعی‌تر و مؤثرتر تعبیه شده است. به‌صورتی که نه تنها هر انسانی با تقویت این هوش به معیارهای موردتوجه روان‌شناسان برای یک انسان سالم‌تر نزدیک می‌شود بلکه انسان را به حقیقت خود یعنی تبدیل شدن به انسان کامل یاری می‌رساند.

وجه تمایز این پژوهش با موارد فوق این است که مؤلفه‌های هوش معنوی در صحیفه سجادیه مورد واکاوی نبوده است. نظر به این که برای انتخاب راه درست از میان راه‌های موجود در بحث معنویت و عرفان و تشخیص عرفان صحیح از کاذب، به ابزاری نیاز است که مهم‌ترین آن سازه هوش معنوی است، کاوش در آموزه‌های دین اسلام در قالب روایات و احادیث و متون ناب دینی چون قرآن و ادعیه نشان می‌دهد که این منابع دینی پیوسته بر رشد معنوی انسان اهتمام داشتند؛ از این رو، در این پژوهش تلاش بر این است تا به بررسی سازه هوش معنوی، مؤلفه‌ها و روش‌های تقویت آن با نظر به صحیفه سجادیه پرداخته شود.

۲. چارچوب مفهومی

هوش معنوی با مسائل وجودی انسان ارتباط تنگاتنگی دارد؛ بدین صورت که در موضوعاتی مانند معنا و ارزش و حل آن‌ها به کار گرفته می‌شود. روان‌شناسان برای هوش معنوی مؤلفه‌های متعددی را بیان کرده‌اند؛ برخی در مسیحیت سنتی مانند استیونز (Stevens, 1996, pp. 19-22) مؤلفه‌هایی چون ایمان به خداوند، بینش نسبت به تعالیم و اصول انجیل، اطاعت از خواست خداوند، پیروی از معیارهای اخلاقی را از مؤلفه‌های هوش معنوی ذکر می‌کند. استیونز معتقد است، هوش معنوی‌ای که توسط مسیحیان سنتی تجربه شده است تمایل به جهت‌گیری به سمت توانایی‌ای دارد که موجب گسترش یک رابطه شخصی با خداوند بشود و نیز ظرفیتی که حضور الهی را در زندگی خود احساس کند. مشاهده شده است که یک جهت‌گیری قوی به سوی خداوند می‌تواند این توانایی را به فرد بدهد که در تجربه‌های زندگی معنا پیدا کند و در حین حل مسئله و اتخاذ تصمیم، اساسی‌ترین منبع هوش معنوی باشد. این درک از هوش معنوی به‌طور عمده منعکس‌کننده ماهیت مذهب مسیحی است که جهت‌گیری آن متوجه بیرون از خود است و اساساً منبع هوش معنوی را بیرون از فرد تعیین می‌کند.

امونز نیز (Emmons, 2000, p. 356) ظرفیت برای تعالی، توانایی برای تجربه حالت‌های هوشیاری عمیق، توانایی برای خدایی کردن و تقدس بخشیدن به امور روزانه، توانایی برای بهره‌بردن از منابع معنوی برای حل مسئله و ظرفیت پرهیزکاری را مؤلفه‌های این نوع هوش می‌داند. وی معتقد است، بسیاری از افراد در معنا بخشی به پدیده‌های گوناگون زندگی که ممکن است برایشان ناگوار، سخت و طاقت‌فرسا باشد از باورهای دینی مدد می‌گیرند و این مسئله می‌تواند تا حدودی سبب سازگاری آنان شود؛ همچنین رفتارهایی مانند: بخشش، شکرگزاری، ایثار و فداکاری و عشق و محبت از صفات پرهیزکارانه‌ای است که امونز آن را جزء مؤلفه‌های هوش معنوی می‌داند.

معنویت فردگرایانه عامه‌پسند عصر جدید به شکل دیگری مؤلفه‌های هوش معنوی را نشان می‌دهد: تمرکز بر تجربه درونی، بازبودن نسبت به تجربه‌ها (سهرابی و ناصری، ۱۳۹۲،

صص ۱۱۹-۱۲۰)، توانایی به کارگیری اصول اخلاقی (Levin, 2001, p. 48)، عمل بر طبق حقایق معنوی (آسیب نرساندن، پذیرش پیوند درونی همه زندگی، پذیرش مسئولیت خویشتن و اعمال خود و پیامدهای آنها، احترام به تفاوت‌ها، پذیرش تغییر) بخشی از این مؤلفه‌هاست. مطابق نظر لوین، تجربه معنویت به عنوان یک بخش درونی از خویشتن در جهت توانایی به کارگیری اصول اخلاقی معنوی در رفتار و زندگی لازم است؛ بنابراین هوش معنوی هنگامی آشکار می‌شود که فرد معنویت خود را با بقیه زندگی خود یکپارچه کند یا طبق اصول معنوی عمل کند. وی همچنین رشد هوش معنوی را مستلزم تغییر در ادراک و دیدگاه می‌داند که پایه جدیدی را برای انگیزه‌ها و اهدافی که سرانجام رفتار را شکل می‌دهند، ایجاد می‌کند؛ علاوه بر این، وی بلوغ معنوی را که با توجه به مصلحت عمومی و بهزیستی برای همه مشخص می‌شود، نتیجه یک هوش معنوی خوب توسعه یافته می‌داند (Levin, 2001, p. 48).

باید توجه داشت که در متون دینی به صراحت بحث از هوش معنوی مورد توجه نبوده است؛ ولی با بیان مؤلفه‌های هوش معنوی از دیدگاه روان‌شناسان در این زمینه، می‌توان با تحلیل و کاوش در این منابع دینی، مؤلفه‌های هوش معنوی را استخراج کرد. این مؤلفه‌ها در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های هوش معنوی

مؤلفه‌های هوش معنوی	
ایمان به خدا، بینش نسبت به تعالیم و اصول انجیل، اطاعت از خواست خداوند، پیروی از معیارهای اخلاقی	استیونز
ظرفیت برای تعالی، توانایی برای تجربه حالت‌های هوشیاری عمیق، توانایی برای خدایی کردن و تقدس بخشیدن به امور روزانه، توانایی برای سود بردن از منابع معنوی، برای حل مسئله و ظرفیت پرهیزکاری	آمونز

تجربه معنویت در جهت توانایی به کارگیری اصول اخلاقی در رفتار و زندگی	لوین
تمرکز بر تجربه درونی، بازبودن نسبت به تجربه‌ها، توانایی به کارگیری اصول اخلاقی، عمل بر اساس حقایق معنوی	معنویت‌های عامه‌پسند عصر جدید
کنش انسان در محورهای چهارگانه (خود، خدا، دیگری، حیات اخروی)، نیت و انگیزه در توجه به مبدأ قدسی، تأمل در خویشتن، سازواری نسبت به جنبه‌های گوناگون زندگی	اسلام (صحیفه سجادیه)

با توجه به تعریفی که صاحب‌نظران هوش معنوی ذکر کرده‌اند، محقق در این مقاله هوش معنوی را «توانایی انسان در تجربه امر معنوی به نحو آگاهانه نسبت به مسائل بنیادینی که در درک معنای هستی، او را به کنش هدف‌مند و سازوار با محیط پیرامون می‌رساند» تعریف می‌کند. در تعاریفی که از هوش معنوی شده، نگاهی جامع به زندگی نشده است؛ بدین معنی زمانی که از مؤلفه‌ها سخن گفته می‌شود، به حیات اخروی، انگیزه افراد یا اختیارمندی انسان توجهی نمی‌شود؛ اما با توجه به مبانی دین اسلام، هوش معنوی جامع‌تر از تعاریف فوق است؛ از این رو در ادعیه نیز ائمه معصوم علیهم‌السلام بر همین اساس معارف خود را در قالب دعا بیان می‌فرمودند. نظر به همین مسئله است که در این مقاله تلاش می‌شود این مؤلفه‌ها در سطحی وسیع‌تر واکاوی شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش به‌کاررفته در این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل مضمون (Theme analysis) است. این روش برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای کیفی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۱۵۴-۱۵۵) مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ همچنین می‌توان به‌عنوان ابزاری برای

تحلیل داده‌های متنی نیز به کار رود. داده‌های پراکنده و گوناگون به کمک این روش به داده‌های غنی و تفصیلی قابل تبدیل است. انعطاف پذیری از خصیصه مهم این روش است (Braun & Clarke, 2006, pp. 78-80) در این روش عموماً از قالب مضامین و شبکه مضامین برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود، دست‌یابی به مضامین نهایی در چند مرحله انجام گرفت:

گام اول، گردآوری اطلاعات و تقطیع متن به واحدهای معنادار است. برای جمع‌آوری داده‌های در این قسمت همه ادعیه صحیفه سجادیه به واحدهای معنایی تقطیع شد. در جداولی با ذکر آدرس ادعیه، دسته‌بندی انجام گرفت. در دومین گام، پس از انتخاب واحدهای معنادار، برچسب‌زنی به دعاهایی که تقطیع شده بود، انجام شد که نمونه آن در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول شماره ۲: نمونه تقطیع واحدهای معنادار به مضامین پایه

ردیف	ادعیه/واحدهای معنادار	ترجمه	مضمون پایه
۱	اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَأَلَيْتَ (۱۲/۵) ^۱	خدایا هر که را تو یاری دهی	بهره‌مندی از یاری خدا
۲	لَمْ يَضْرُرْهُ خِذْلَانُ الْحَاذِلِينَ (۱۲/۵)	خوار ساختن خوارکنندگان به او زیان نرساند	در امان بودن
۳	وَمَنْ أَعْطَيْتَ (۱۲/۵)	و هر که را تو عطا کنی.	بهره‌مندی از عطای الهی
۴	لَمْ يَنْقُضْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ (۱۲/۵)	امساک ممسکان از او نکاهد	در امانی از تنگ‌چشمی دیگران

۱. تمام موارد استنادی در این مقاله طبق ادعیه صحیفه سجادیه، عدد اول شماره دعا و عدد بعد شماره بند می‌باشد (دعای پنجم بند ۱۲).

ردیف	ادعیه/واحد‌های معنادار	ترجمه	مضمون پایه
۵	وَمَنْ هَدَيْتَ (۱۲/۵)	و هر که را تو هدایت کنی	بهره‌مندی از هدایت
۶	لَمْ يَغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ (۱۲/۵)	گمراه ساختن گمراه کنندگان از راه نبرد.	عدم لغزش با وجود هدایت
۷	فَضَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۱۳/۵)	پس بر محمد و آلش رحمت فرست	دروود بر پیام آور الهی
۸	وَ افْتَعْنَا بِعِزِّكَ مِنْ عِبَادِكَ (۱۳/۵)	و ما را به قوت خود از شر بندگانت بازدار	در امان بودن از شر و بدی
۹	وَ اعْتَنَّا عَنْ غَيْرِكَ يَا زَادِكَ (۱۳/۵)	و به عطای خویش از غیر خود بی‌نیاز فرمای	بی‌نیازی با وجود عطای الهی
۱۰	وَ اسألك بِسَبِيلِ الْحَقِّ يَا زَادِكَ (۱۳/۵)	و در پرتو ارشاد خود به راه حق رهسپار ساز	ارشاد بر راه حق
۱۱	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۱۴/۵)	خدایا بر محمد و آلش رحمت فرست	دروود بر پیام آور الهی
۱۲	وَ اجْعَلْ سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ (۱۴/۵)	و سلامت دل‌های ما را در یاد کردن عظمت خود قرار ده	سلامت دل در یاد خدا
۱۳	وَ فَرَاغْ أَبْدَانَنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ (۱۴/۵)	و آسایش بدن‌ها مان را در شکر نعمت خود	آسایش بدن در شکر نعمت

در این مرحله پس از دست یافتن به مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه، در سطح انتزاعی به دست آمد. در این مرحله از تحلیل مضمون سعی شد با سازماندهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای در یک جدول، مضامین سازمان‌دهنده در سطح دیگری از انتزاع استخراج شود.

این سطح از مضامین، ما را به سوی مضامین سطح بالاتر در نردبان انتزاع هدایت می‌کند که بدان مضامین فراگیر گفته می‌شود. هدف محقق در این مرحله این است از مجموعه به دست آمده، مفاهیم مرتبط شناسایی شده، تا تفسیری بنیادین در راستای مفاهیم فراگیر حاصل شود.

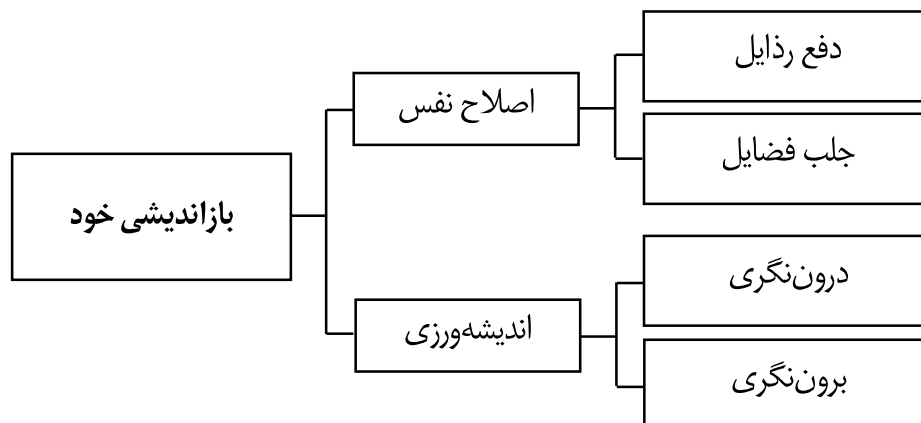
در گام سوم، نوبت به ترسیم شبکه اصلی مضامین و استخراج الگوی مفهومی است. پس از رفت و برگشت میان مضامین و پس از ادغام کدهای تکراری در میان مضامین پایه و موارد همپوشان، تعداد ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد که و قالب ۶ مضمون فراگیر صورت‌بندی شد که به نظر می‌رسد از وجه جامعیت معنایی مناسبی جهت تبیین الگوی مفهومی مؤلفه‌های هو معنوی برخوردار است.

۴. یافته‌های پژوهش

از تجزیه و تحلیل دعاهای صحیفه سجادیه چهار مضمون فراگیر «بازاندیشی در خود»، «انگیزه و نیت»، «اختیار و انتخاب»، «کنش مندی»، «عبادت و عمل»، «پذیرش و انعطاف» به دست آمد که بیان‌گر مؤلفه‌های هوش معنوی و روش‌های تقویت آن است.

۴-۱. بازاندیشی در خود

یکی از ویژگی‌های اساسی هوش معنوی خودآگاهی عمیق است که لازمه آن آگاهی از لایه‌ها و ابعاد مختلف وجود خود است. اهمیت این عامل در هوش معنوی به اندازه‌ای است که تقریباً بیشتر مؤلفان (Zohar, Marshall, 2000) در این حوزه از این عامل به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم هوش معنوی یاد کرده‌اند. در متون دینی و عرفانی بر این عنصر و نقش آن در رشد معنوی تأکید زیادی شده است. خودشناسی هم به عنوان مؤلفه و هم به مثابه راهبردی جهت تقویت و رشد معنویت و هوش معنوی در صحیفه سجادیه در قالب اصلاح نفس و اندیشه‌ورزی قابل تأمل است.



نمودار شماره ۱: مضامین «بازاندیشی در خود»

۱-۱-۴. اصلاح نفس

پرداختن به خود و شناخت جایگاه و توانایی‌های خود از عواملی است که در رشد معنویت در انسان اثرگذار است. اولین گام در این امر اصلاح نفس است بدین معنی که اصلاح نفس برای انسان امری حیاتی است تا به وسیله آن خود را از صفات زشت و اخلاق ناپسند دور سازد و فضایل را در خود پرورش دهد (اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلِكُ بِهِ مِنِّي، وَ قُدْرَتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَعْلَبُ مِنْ قُدْرَتِي، فَأَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يَرْضِيكَ عَنِّي، وَ خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ؛ (۱/۲۲)؛ امام در فرازی دیگر اصلاح نفس خود را این گونه درخواست می‌کنند: «اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةَ تُعَابُ مِنِّي إِلَّا أَضْلَحْتَهَا، وَ لَا عَائِبَةً أُؤْتَبُ بِهَا إِلَّا حَسَنَتَهَا، وَ لَا أُكْرِمُهُ فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتَهَا» (۶/۲۰). با توجه به این که انسان مکلف به اصلاح خود است و باید جان خود را از آلودگی گناهان تطهیر نماید این امر مسیر نمی‌شود مگر به اینکه در مسیر اطلاعات از خداوند و به دست آوردن رضایت الهی قدم بردارد و از آنچه موجب غضب اوست دوری کند تا از این طریق، خود را از هلاکت دائمی و عذاب ابدی نجات بخشد. تطهیر نفس از آلودگی با قیام به اطاعات و اجتناب از شهوات است و چون قدرت بنده در این کارها مستند به قدرت الهی است؛ زیرا تنها اوست که همه قدرت‌ها به او وابسته است. قدرتی برتر از او تصور نمی‌شود؛ از این رو خداوند به اصلاح نفس بندگانش تواناتر است و

قدرت او بر بنده و هرچه بندگانش را به آن تکلیف کرده، غالب‌تر است. این امر هم ناشی از این است که انسان خودش مالک چیزی نیست (فهری زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۶۲)؛ بنابراین امام از خداوند درخواست می‌کند مرا به عملی وادار کند که تو را از من راضی و خشنود می‌گرداند؛ یعنی قدرتی به من عطا کن تا آمادگی این امر را پیدا کنم.

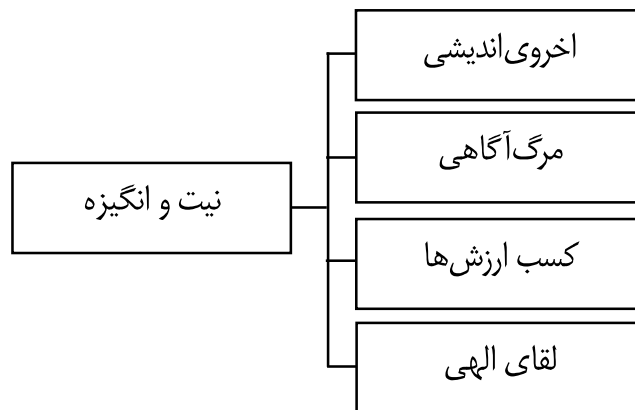
۲-۱-۴. اندیشه‌ورزی

یکی از راه‌های توسعه و تقویت هوش معنوی به کارگیری آن است یعنی تفکر درباره دغدغه‌های انسان (آزادی، تنهایی، رنج و فنا) و باورهای شخصی درباره امور معنوی، مذهبی وجود (Waughan, 2000, pp. 16-33)؛ همچنین می‌توان از طریق جستجوی معانی بنیادی موقعیت‌ها و پرسیدن سؤالات چرایی جستجوی ارتباط بین رویدادها هوش معنوی را تقویت می‌کند (Zohar, Marshall, 2000, p.149).

در صحیفه سجاده به صورت مستقیم درباره تفکر در رفتار و تعامل انسان با خود دعایی وجود ندارد؛ اما فرازهای متعددی از دعا وجود دارد، گاه یادآوری آن انسان را به تفکر در خود، جهان هستی و خداوند وامی‌دارد. چنین تفکر می‌تواند زمینه‌ساز رشد معنویت در انسان و درنهایت ارتقای هوش معنوی باشد. چنان‌چه امام می‌فرماید: «و الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَ أَثْبَتَ فِيْنَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ، وَ عَدَّانَا بِطَبِيَّاتِ الرِّزْقِ، وَ أَعْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَفْئَانَا بِمَنِّهِ» (۲۰/۱)؛ امام سجاد علیه السلام در این فراز از دعا با بیان این نکته که انسان موجودی دوبعدی است و بدن به کمک ابزاری که خداوند در اختیارش گذاشته از زندگی بهره‌مند می‌شود، انسان را به تفکر در درون خود وامی‌دارد؛ همچنین در فرازی دیگر به گونه‌ای دیگر انسان را به تفکر دعوت می‌کنند: «مَوْلَايَ وَ اِرْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثْرِي، وَ امْحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي، وَ كُنْتُ مِنَ الْمُنْسِيْنَ كَمَنْ قَدْ نَسِيَ» (۶/۵۳)؛ یادآوری مرگ و فرایندی که پس از مرگ بر جسم انسان می‌گذرد نیز از مواردی است که انسان را به تأمل در سرانجام و پایان کار وامی‌دارد.

۲-۴. انگیزه و نیت

هوش معنوی به عنوان قابلیت که افراد را قادر می‌سازد تا به معنا و ارزش وجودی خود و دیگران پی ببرند و به سوی رشد روحی و انسانی پیش بروند. نیت و انگیزه نقش مهمی در هوش معنوی ایفا می‌کنند و می‌توانند به تعمق و توسعه این نوع هوش کمک کنند.



نمودار شماره ۲: مضامین «نیت و انگیزه»

واکاوی در صحیفه سجادیه نشان داد که این مؤلفه مهم در مضامینی چون اخروی اندیشی (وَ اَزْرُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِأَخْرَجْتَنِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي؛ ۸/۲۲)؛ هدف‌گیری نهایی به سمت حیات اخروی و انگیزه اصلی برای عمل در دنیا (وَ حَتَّى يَكُونَ الْعَالِبُ عَلَى الرَّهْدِ فِي دُنْيَايَ؛ ۸/۲۲)؛ توجه به لقای الهی برای یافتن معنا و هدف زندگی (فَقَصِّدْكَ، يَا إِلَهِي، بِالرَّغْبَةِ، وَ أَوْفِدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ؛ ۱۸/۱۳)؛ تنظیم قصد و آهنگ خود به سوی خدا (يَا مَنْ يَرْغَبُ إِلَيْهِ وَ لَا يَرْغَبُ عَنْهُ؛ ۶/۱۳) درخواست رغبت و شوق به لقای الهی (وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ؛ ۴/۵۴) تجلی‌یافته است. حضرت در این مسیر اراده و رغبتی که انگیزه دیگر حرکات باشد را همانی می‌داند که درست و منطقی و برابر با رغبت دوستان خداست: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسْأَلِهِمْ» (۶/۵۴).

همچنین مرگ آگاهی یکی از مؤلفه‌هایی که انگیزه‌بخش اعمال انسان است توجه و

یاد کرد دائمی مرگ است. امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعا به این را یاد آور می‌شوند که انسان به یاد داشته باشد که روزی دنیا به پایان خواهد رسید و جاودانه نخواهد بود (وَ لَا يَعْمُرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ؛ ۳/۵۲). توجه دائم مرگ مقدر همگانی (سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ؛ ۵/۵۲) و رسیدن به دیدار بعد از فنا (حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصِنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي، أَوْ تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْفَلَاحِ يَا رَبِّ؛ ۷/۲۲) را در فرازهای دیگر دعا تذکر می‌دهند. یاد کرد مرگ در حیات دنیوی، بندگی صادقانه برای خدا (وَ ارْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبٍ؛ ۸/۲۲) و زیست پرهیزکارانه (وَ اجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنْ الدُّنْيَا رَادِي، وَ إِلَيَّ رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي، وَ فِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي؛ ۱۱/۲۱) و در حیاتی دیگر، ورود به حریم خشنودی و رضای الهی (وَ اجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ، وَ هَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ...؛ ۱۱/۲۱) و رهایی از فرجام بد و گریز به سمت خداوند (وَ بَدِّكَ، يَا إِلَهِي، جَمِيعَ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَ إِلَيْكَ الْمَفْرَبُ وَ الْمَهْرَبُ؛ ۴/۲۱) را در پی دارد.

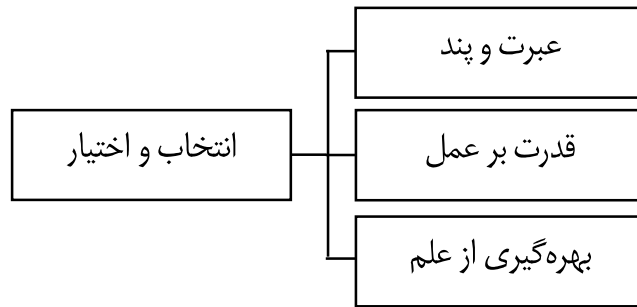
۱-۲-۴. کسب ارزش‌ها

همچنین نیت و انگیزه می‌توانند به افراد کمک کنند تا ارزش‌های معنوی خود را شناسایی و تقویت کنند. این ارزش‌ها می‌توانند به عنوان راهنمایی برای انتخاب اعمال و تصمیم‌گیری‌های معنوی در زندگی کمک کنند. چنان‌چه امام سجاد علیه السلام به خود جهت‌گیری خود را مشخص می‌کنند: «وَ قُوَّةً بِالرِّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَ أَمَلَهُ إِلَيَّ طَاعَتِكَ» (۱۰/۲۱).

۳-۴. اختیار و انتخاب

توانایی انتخاب به عنوان یک فرد مستقل و برقراری ارتباط با ارزش‌ها و عمل براساس آن از مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در هوش معنوی است. مضامین سازمانده

«عبرت و پند»، «قدرت بر عمل» و «بهره‌گیری از علم» سازنده مفهوم فراگیر اختیار و انتخاب است.



نمودار شماره ۳: مضامین «انتخاب و اختیار»

۴-۳-۱. عبرت و پندگیری

واکاوی صحیفه سجادیه نشان داد که بحث اراده و اختیار با ذکر مفاهیمی چون: اراده، نرید، عزم، رغبت، شوق و هوا مترادف و نزدیک بوده، ولی اختیار و برگزیدن که بیان‌گر غلبه و قدرت تصرف است در مورد انسان یک مورد مستقیم و یک مورد غیرمستقیم آمده است. حال با نظر به این امر می‌توان گفت: اختیار و برگزیدن در این فراز از دعای صحیفه (فَصَحَّ بِمُعَايِنَةِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَقَفَهُ اعْتِبَارُهُ، وَ أَرْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اخْتِيَارُهُ؛ ۷/۲۸) به معنای کسب تجربه از دیگران و عبرت‌آموزی است.

۴-۳-۲. قدرت بر عمل

حضرت در فرازی دیگر «وَقَدْ فَرَزْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، وَ إِلَيْكَ مَفَرَّ الْمُسِيءِ، وَ مَفْرَعُ الْمُضْجِعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلتَجِيءِ» (۳/۴۹) انتخاب انسان را در معنایی قدرت انتخاب انسان به کار برده است؛ همچنین در این فراز «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَ أُمْسِي مُشْتَقِلًا لِعَمَلِي، مُعْتَرِفًا بِذَنْبِي، مُقِرًّا بِخَطَايَايَ، أَنَا بِإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ، عَمَلِي أَهْلِكُنِي، وَ هَوَايَ أَرْدَانِي، وَ شَهَوَاتِي حَرَمْتَنِي» (۷/۵۲) و همه چیز به عملکرد خود انسان بستگی

دارد و در فرازی دیگر می‌فرمایند انسان می‌تواند راه درست را انتخاب کند (۳/۴۹) یا راه نادرست را با انتخاب گناه بپیماید که نتیجه‌ای جز نابودی نخواهد داشت «فَحَمَّتْ أُودِيَةَ الْهَلَآكِ، وَ حَلَّتْ شِعَابَ تَلْفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ» (۲/۴۹). امام اموری چون آرزوها و علم را به خواست و اختیار انسان می‌داند. خواسته‌های آدمی ترکیبی از آرزوها، نیازها، شهوات است برای رسیدن به آرزوها موانعی وجود دارد که از آن جمله روی برگرداندن کرامت الهی از انسان، جلوگیری از فضل الهی و نرسیدن آن به انسان، گسستن رشته الفت و مهربانی خدا از انسان (لَلَّهِمْ اِنَّكَ اِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ اَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ اَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ اَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيكَ لَمْ اَجِدِ السَّبِيلَ اِلَى شَيْءٍ مِّنْ اَمَلِي غَيْرِكَ، وَ لَمْ اَقْدِرْ عَلَيَّ مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ، فَاِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ؛ (۵/۲۱) و داشتن آرزوهای طولانی (وَ نَعُوذُ بِكَ اَنْ تَنْطَوِي عَلَيَّ غِشًّا اَحَدٍ، وَ اَنْ تُعْجِبَ بِاَعْمَالِنَا، وَ تَمُدَّ فِي اَمَالِنَا؛ (۵/۸) است.

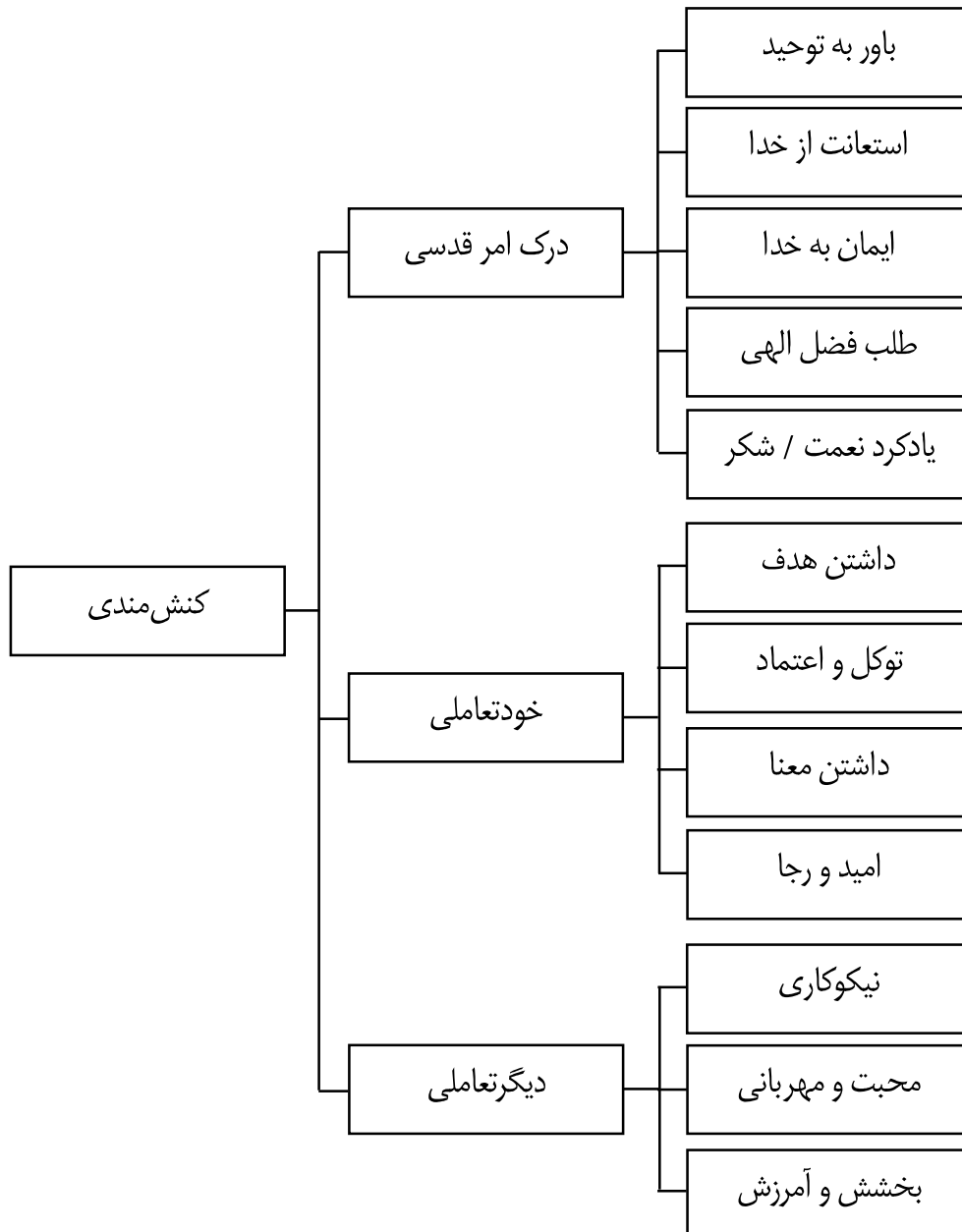
۳-۳-۴. بهره‌گیری از نور علم

امام سجاد علیه السلام علم را نوری می‌دانند که سبب تنظیم روابطها، پیدا کردن راه از بی‌راهه و رهایی یافتن از تردیدها، شک و شبهه‌هاست (وَ هَبْ لِي نُوراً اَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَ اَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَ اَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ؛ (۸/۲۲). در فرازی دیگر، علم آموزی امری اختیاری دانسته شده که کسب تجربه از دیگران و عبرت‌آموزی از جمله آن‌هاست. دوران‌دیشی، پند گرفتن، هدایت‌شدن به راه درست و برگزیدن را راست و شایسته (فَصَحَّ بِمُعَايَنَةِ اَفْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَ فِقَهُ اَعْتِبَارُهُ، وَ اُرْسَدَهُ اِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اَخْتِيَارُهُ؛ (۷/۲۸) از نتایج آن است.

۴-۴. کنش‌مندی

این مضمون فراگیر بیان‌گر ارتباط چندسویه انسان با خود، دیگری و معنای زندگی

یعنی خداوند است که هدف اصلی از هوش معنوی تعدیل در این سطح از ارتباط است. این مضمون فراگیر در سه مضمون سامان‌دهنده «درک امر قدسی»، «خود تعاملی»، و «دیگر تعاملی» به دست آمد. نمودار این مضمون فراگیر در جدول زیر آمده است:



نمودار شماره ۴: مضامین «کنش مندی»

۱-۴-۴. درک امر قدسی

دین، تمرکز خود بر ایجاد بهداشت روانی از طریق ایجاد رابطه با خداوند، جامعه و جهان معطوف نموده است. بررسی ادعیه صحیفه سجادیه نشان می‌دهد که باور به توحید ربوبی، استعانت از خداوند، ایمان به خدا، طلب فضل الهی، یادکرد و شکر نعمت‌ها مهم‌ترین مضامین سازمان‌دهنده‌ای است که بیان‌گر «درک امر قدسی» است.

۱-۴-۴-۱. باور به توحید ربوبی

یکی از مضامینی که بیانگر هوش معنوی است اعتقاد به یگانگی خدا و نفی چند خدایی در لایه‌های ذاتی، صفاتی و افعالی است. خود را در پناه خدا دیدن و شکایت به درگاه او بردن (اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَّا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ؛ ۱۱/۱۴)، فهم‌پذیری مقدرات الهی (سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مِنْ وَحْدِكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ،.... فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ؛ ۵/۵۲)، پذیرش رضای الهی در رویارویی با مسائل مهم زندگی (حَتَّى اتَّعَرَفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طَمَآنِينَةَ النَّفْسِ مَنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالصَّرِّ وَالنَّفْعِ؛ ۱۱/۲۲)، حکیمانه دیدن سختی و مشکلات (وَ أَقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وَجْهِ طَاعَتِكَ أَوْ لِيَخْلُقِي مِنْ خَلْقِكَ؛ ۶/۲۲) و سرانجام، توسل به او در رفع حوائج (وَ أَقْلِلْ حَدَّةَ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ؛ ۶/۱۴) لایه‌هایی از توحید ربوبی را در صحیفه آشکار می‌کند.

۲-۴-۴. استعانت از خدا

امام سجاده علیه السلام در فرازهای دعای بیستم از خداوند درخواست، پرهیز از کاهلی (وَ لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ؛ ۱۱/۲۰)، پرهیز از کارهای خلاف محبت خداوند (وَ لَا بِالْتَعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ؛ ۱۱/۲۰)، درخواست دفع ستم دیگران (وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي؛ ۱۴/۲۰)، مصون بودن از فقر (وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَشَعِي؛ ۱۴/۲۰)

و برکناری از طغیان را دارد (وَ لَا أَطْعَيْنَ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَجِدِي؛ ۱۴/۲۰)؛ همچنین درخواست کمک در رفع نیارها (وَ أَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ؛ ۱۲/۲۰) را از خداوند مسئلت دارند؛ زیرا تنها اوست که در همه حال حتی زمانی که غمگین و حزن پشیمان انسان است (اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ؛ ۲۰/۲۰).

۳-۱-۴-۴. ایمان به خدا

ایمان حالتی است که همه ابعاد شخصیت انسان را در برمی گیرد و عملکرد او را تحت تأثیر قرار می دهد و بعد شناختی و بینشی انسان را هدف قرار می دهد. ایمان موجب آرامش و امنیت روانی انسان است که از منظر روان‌شناسان مؤلفه مهمی در هوش معنوی است. ایمان این است که انسان بعد از ادراک عجز خود به تکیه گاه قدرت پناه برد و در دار الأمن قرار گیرد تا احساس ایمنی کند و در این صورت است که در امان است. یکی از آثار مهم ایمان این است که مؤمن حتی در میان اضطراب و وحشت عمومی، آرامش لذت بخش دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۵۴). انسان با ایمان در موقع محرومیت از مواسات برادران دینی خود (وَ أَنْتَ مُتَّجِعِي إِنْ حُرِمْتُ؛ ۲۰/۲۰) به ذات اقدس الهی روی می آورد و حاجت خود را از او می خواهد و حتی در موقع گرفتار شدن به یک رنج و مصیبتی (وَ بِكَ اسْتِعَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ؛ ۲۰/۲۰)، تنها خداوند می تواند پناهگاه خوبی برای انسان باشد.

۴-۱-۴-۴. طلب فضل الهی

در فرازهایی از دعای صحیفه سجادیه، استمداد از فضل الهی (وَ بِفَضْلِكَ وَ ثِقْتُ؛ ۲۰/۲۰)، مغفرت الهی، عفو و بخشش از جانب پروردگار، اشتیاق به گذشت پروردگار، وثوق و اعتماد به فضل او رشته اتصال انسان با خداست. حضرت در فرازی دیگر، ضمن اعتراف به کوچکی خود طلب مغفرت نموده و عملی در خور عفو الهی در خود نمی بیند و با زبان دعا با خدا مناجات می کند (وَ لَا فِي عَمَلِي مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ ۱۵/۲۰) و

بی‌توشگی اخروی (وَ مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فُضْلُكَ ۚ) و تقاضای نجات از راه فضل، را درخواستی منصفانه می‌خواند و می‌گوید: (وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ ۚ) (۱۵/۲۰).

۵-۱-۴-۴. یادکرد نعمت‌ها و شکر آن

یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی شکرگزاری است. کاوش در متون دینی حاکی از این است که آیات، روایات و ادعیه سرشار از دستورات عملی برای این مؤلفه مهم است. شکرگزاری، خصلتی است که هر انسان باایمان باید برای رهایی از عذاب دنیوی و اخروی و رسیدن به سعادت و اوج کمال انسانی، خود را بدین خوی خدایی آراسته گرداند. شکرگذاری موجب سیر به سمت مسیر کمال و رسیدن به مقامات بلند عرفانی است. رسیدن به مقارضا در هنگام بیماری و بلا یا (أَمْ وَفْتُ الْعِلَّةَ الَّتِي مَحَضَّتَنِي بِهَا؛ ۴/۱۵)، پاکی از گناهان به‌عنوان نعمت (وَ النِّعَمِ الَّتِي أَتَّخَفْتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ...؛ ۴/۱۵) خشنودی به خواست و مقدرات الهی (وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ رُكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ، وَ لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ...؛ ۵/۱۵) از مهمترین مضامینی است که در فرازهای دعای امام سجاد علیه السلام حاکی از هوش معنوی است.

امام سجاد علیه السلام در فرازی دیگر از دعای صحیفه سجادیه می‌فرماید خداوند بر انسان منت نهاد و شکرگزاری بر نعمت‌هایش را به انسان یاد آورد: (وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَّابِعَةَ...، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ؛ ۸/۱). امام به خاطر همین نعمت شکرگزاری نیز خداوند را سپاس می‌گوید؛ زیرا اگر انسان بابت نعمات الهی به شکرگزاری بر نمی‌خاست درجه وجودی او از حیوانات نیز پایین‌تر بود (وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ؛ ۹/۱). امام همچنین شکر بر نعمت‌های الهی (الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَلْهَمَنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بَرُبُّوْبَيْتِهِ، ... وَ جَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشُّكِّ فِي أَفْرِهِ؛ ۱۰/۱) را وسیله نجات انسان از عذاب الهی و قرار گرفتن در جوار کرامت الهی و

قرار گرفتن در کنار انبیا و ملائکه می‌دانند (حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ؛ ۱۵/۱)؛ همچنین شکرگزاری را عامل برخورداری از پاداش الهی (تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ، وَ تُثِيبُ عَلَيَّ قَلِيلَ مَا تُطَاعُ... أَوْ لَمْ يَكُنْ سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَازَيْتَهُمْ؛ ۶/۳۷) و راهنمای بندگان جهت رشد معنوی و کمال می‌دانند (وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَ تَوَغَّيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَ لَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ، وَ لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ؛ ۱۴/۴۵).

۲-۴-۴. خودتعاملی

این مضمون سازمان دهنده بیانگر مضامینی چون داشتن معنا و هدف زندگی، توکل و امید به خداوند است که انسان در منش با خود بدان روبه‌روست.

۲۹



۱-۲-۴-۴. داشتن معنا و هدف زندگی

از نظر زوهر و مارشال مشغولیت ذهنی با معنا و هدف در زندگی اصلی‌ترین ویژگی هوش معنوی است (Zohar, Marshall, 2000). از نظر گاردنر پرسش‌گری در زمینه معنا و ارزش در زندگی، تنها بعدی از معنویت است که می‌توان از آن به‌عنوان یک هوش ویژه یاد می‌کند (Gardner, 1999, p. 134). در حقیقت این ویژگی وجه تمایز این هوش از دیگر هوش‌ها دانسته شده است. صحیفه سجاده نیز با زبان دعا بر ویژگی‌هایی تمرکز داشته که یک زندگی معنادار و هستی‌ارزشی را به تصویر می‌کشد. این مضمون در کدهایی چون کمال‌گرایی، زندگی‌گوارا، شناخت صراط مستقیم، شناخت دین حق در دعای مکارم اخلاق قابل تأمل است. درخواست برترین یقین به‌عنوان مقام واقعی افراد باایمان (وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ؛ ۱/۲۰)، تقاضای مصون‌ماندن یقین از خطرات و تصحیح یقین (وَ صَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي؛ ۱/۲۰) نه تنها درخواستی مخصوص خواص؛ بلکه تقاضایی عام است که در صحیفه به زبان امام جاری می‌شود (اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي؛ ۱/۲۰). زندگی‌گوارا مؤلفه دیگری است که در معنادهی به زندگی و امید برای رسیدن به

کمال در صحیفه سجادیه در فراز ۵-۲ دعای بیستم آمده است. قرار گرفتن دائم در صراط مستقیم (وَ اسْتَقِرْغُ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ؛ ۳/۲۰)، به تن کردن کسوت بندگی در همه زندگی (وَ عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ؛ ۵/۲۰) توأم بودن این لباس به بندگی دائمی (فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ أَوْ يَشْتَحِكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ؛ ۵/۲۰) زندگی را دارای ارزشی می کند که می توان آن را زیست معنادار دانست.

حضرت همچنین برای زندگی در دوران پیری نیز، درخواست وسیع ترین رزق (وَ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ؛ ۱۱/۲۰) و قوت در ایام ناتوانی را دارند (أَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ؛ ۱۱/۲۰). این وسعت رزق را با گشایش وسعت (وَ لَا تَقْتِنِي بِالسَّعَةِ؛ ۲۲/۲۰) را طلب دارند. از این دعا شاید بعضی چنین استنباط کنند که حضرت از پروردگار مزیقه مالی و سختی معاش را دارند و با گذراندن زندگی راحت مخالف است برای همین امام سجاده علیه السلام بلافاصله درخواست زندگی که همیشه با رنج و مشقت نباشد را می خواهند (لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا؛ ۲۲/۲۰). برکت و فراوانی و افزایش رزق (وَ وَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَهَةِ فِيهِ؛ ۲۳/۲۰) و صحت و عافیت (وَ اَرْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ؛ ۲۷/۲۰) از دیگر دعاهایی است که امام در زندگی دنیایی طلب می کنند.

شناخت دین حق نیز با نظر به دعای مکارم اخلاق (۲۱/۲۰) نقش مهمی در درک از معنای حیات دارد. حضرت سه مطلب را به پیشگاه الهی عرضه داشتند و آدمی تا حدودی با آنها درگیر است: توفیق و مدد در مواقع به هم ریختن شرایط (وَ وَفَّقْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَيَّ؛ ۲۱/۲۰)، انتخاب بهترین کار در شرای متشابه و نشان دادن راه در شرایط تضاد و تناقض. در ادامه حضرت تقاضای نعمت کردند (اغْدُنِي بِنِعْمَتِكَ؛ ۲۱/۲۰). امام علیه السلام از پروردگار طلب رزق و غذایی را دارد که از رحمت و نعمت او سرچشمه گرفته و ممکن است منظور حضرت از این غذا رزق طیب باشد؛ همچنین حضرت از پروردگار حسن عاقبت درخواست کردند و درخواست داشتند که پایان عمر من همواره با عفو الهی قرار بده (اللَّهُمَّ احْتِمِ بَعْفُوكَ أَجَلِي؛ ۲۸/۲۰).

امام سجاد علیه السلام امیدواری به رحمت الهی (وَ حَقَّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي؛ ۲۸/۲۰)، امید به رضای الهی (وَ سَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي؛ ۲۸/۲۰) در همه حالات (وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي؛ ۲۸/۲۰) را از پروردگار می‌خواهند. این امیدواری، پس از طلب بخشش از خداوند (سُبْحَانَكَ، لَا أَيَّاسُ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ؛ ۷/۱۲) نشان از تمرکز امام سجاد بر امید به عنوان مانعی در واگذاری عنان امور به دیگری است؛ از این رو همه امور به درگاه الهی برده می‌شود و از یأس در این راه پرهیز می‌شود. حضرت ناامیدی را موجب ایجاد ناامنی، محروم شدن، شقاوت و بدبختی انسان (يَا غَنِي الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوُسْعِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ مَنْ اسْتَسَعَدَ بِكَ، وَ حَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ؛ ۳/۱۰) و روی آوردن انسان درخواست از غیر (وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ، وَ لَا تَبْتِ سَبِيِي مِنْكَ، وَ لَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَ غَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ وَ تَوَلَّنِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي وَ نَيْلِ سُؤْلِي قَبْلَ رَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرَ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ؛ ۲۲/۱۳-۲۳) می‌داند. ناامید نشدن از اجابت دعا در کلام امام سجاد علیه السلام حاکی از برخورداری از هوش معنوی و سلامت روحی است؛ زیرا رغبت و مواظبت در اعمال اخروی با نیت خالصانه را بالا می‌برد که موجب کسب علم ارتباط با مردم، درک درستی و راستی و صدق بندگی، غالب شدن بی‌رغبتی به دنیا و در نهایت بندگی کردن خدا با انجام ندادن بدی‌ها از ترس و هراس کیفر آن و انجام اعمال خیر با شوق و رغبت می‌شود (۸/۲۲).

نتیجه امید به خداوند در امور، خواندن خداوند در سختی‌ها، پناه بردن به او، اعتماد و استعانت از خداوند (فَالَيْكَ أَفْرَ، وَ مِنْكَ أَحَافُ، وَ بِكَ اسْتَعِيثُ، وَ إِيَاكَ أَرْجُو، وَ لَكَ أَدْعُو، وَ إِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَ بِكَ أَثِقُ، وَ إِيَاكَ اسْتَعِينُ، وَ بِكَ أُوْمِنُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ عَلَيَّ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَكَلُّ؛ ۱۱/۵۲) و در نهایت ریشه در ایمان دارد این امر سبب می‌شود تا انسان بر جود، کرم و بخشش او تکیه کرده و تنها بر وجود خداوند توکل کند: «فَهَذَا

مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، وَ مَحَلِّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ، فَلَا يَضِيقُنَّ عَنِّي فَضْلُكَ...» (۱۵/۳۲). در نتیجه این امر، حاجات برآورده، بهترین مقدر شده، رهایی از فتنه‌ها و آزمایش‌ها با اعتماد و توکل (فَقَصْدُ ثُكِّكَ، يَا إِلَهِي، بِالرَّغْبَةِ، وَ أَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثَّقَةِ بِكَ؛ ۱۸/۱۳) برای انسان پیش خواهد آمد (لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْآمِلُونَ، وَ لَا يَأْسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَ لَا يَشْقَى بِنَقْمَتِكَ الْمُسْتَعْفِرُونَ؛ ۱۵/۴۶). توکل از آثار ایمان به خداوند و نتیجه اعتماد به اوست وَ أَقْبِضْ عَلَي الصَّدَقِ نَفْسِي، وَ أَقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي، وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ، وَ هَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ؛ ۴/۵۴؛ امروز به‌عنوان یکی از راه‌های مقابله با اختلال روانی، نگرانی و اضطراب‌ها دانسته شده است (احمدی فراز، ۱۳۹۵، ص ۱۶۲). در صورتی که اتحاد به خداوند از جنس یقین و باور توکل‌کنندگان باشد این امر که توکلی صادقانه و مؤمنانه است، ریشه در هوش معنوی افراد دارد که به‌زیستی روانی را نیز در پی دارد.

۳-۴-۴. دیگر تعاملی

یکی دیگر از محورهای مهم هوش معنوی در منابع دینی به‌خصوص در صحیفه سجادیه بحث از ارتباط انسان با دیگران است. منظور از دیگران هم با انسان‌های اطراف خود و دوستان و هم محیط پیرامون را در برمی‌گیرد.

۱-۳-۴-۴. نیکوکاری

نیکوکاری با مصادیقی چون خیرخواهی، محبت و مهربانی نوع دوستی گرفته تا یاری ستم‌دیدگان در بلایا و سختی‌ها و کمک به محرومان و نیازمندان، یکی از جنبه‌های هوش معنوی و نشانه سازگاری با شرایط محیط پیرامونی فرد است. امام سجاده علیه السلام در فرازهای از صحیفه معاشرت نیکوی مردم (أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ الشَّنِّ إِلَى الْمَحَبَّةِ؛ ۷/۲۰)، تبدیل حسادت حاسدان به مودت (وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ؛ ۷/۲۰) تبدیل بدگمانی افراد صالح به اعتماد (وَ مِنْ ظَنِّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَةَ) را از خداوند طلب می‌کنند. علت درخواست اخیر این است که در دوران امام سجاده علیه السلام ایشان از این امر

نگران بودند که مبدا افراد صالح و درست کار گمان بد ببرند؛ چون اگر افراد صالح بد گمان شوند کم کم مسلمانان به دین حق و مردان الهی بد گمان می شوند برای همین حضرت چنین درخواستی از خداوند داشتند. تبدیل دشمنی نزدیکان به دوستی («انْ عَدَاوَهُ الْأَذْنَبِينَ الْوَلَايَةَ؛ ۷/۲۰). بیان گر این است که حضرت واقع بین کردن دشمنان شان را نیز از خداوند طلب می کنند. تبدیل جدایی ارحام به پیوستگی (وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرُورَةِ؛ ۷/۲۰)، تبدیل ترک یاری به نصرت (وَ مِنْ خِدْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ؛ ۷/۲۰)، دوستی مدارا کنندگان به دوستی (وَ مِنْ خِدْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ؛ ۷/۲۰)، تبدیل ناسازگاری به معاشرت صمیمانه (وَ مِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ؛ ۷/۲۰) و تبدیل ترس به شیرینی (وَ مِنْ مَرَارِهِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَمْنَةِ؛ ۷/۲۰) از دیگر تقضای حضرت در معاشرت با مردم است.. مدارا با دیگران اگر برای احترام به شخصیت آنان باشد بسیار اهمیت دارد و یک نشانه عقل بیدار و فکر روشن و به تعبیری دیگر نشان از هوش معنوی آنهاست و مایه محبوب بودن و راه نفوذ در اندیشه آنهاست که این امر در فرازهای دعا دیده می شود.

۲-۳-۴-۴. محبت و مهربانی

احسان و نفع رساندن از نوع دوستی و دگردوستی و انسانیت به آدمی نشئت می گیرد و این امر بسیار پسندیده و خوب در اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است. اتحاد میان مسلمانان و دوری از غل و غش باید میان انسانها وجود داشته باشند چون اگر این دو امر وجود نداشته باشد در همه نسبت به هم پراکندگی به وجود می آید. امام در دعای بیستم در قالب فرازهایی متنوع این محبت و مهربانی را متجلی کرده اند: (وَ حَلْنِي بِحَلِيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ الْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَ صَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَثْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، ... ۱۰/۲۰). چشم پوشی از بدی دیگران (وَ أَغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ) تقاضای دیگری از خداوند است که زمینه کرامت اخلاقی عفو را در انسان گسترش می دهد و آثار روانی و اجتماعی به بار می آورد. درخواست حسن خلق و خوی پسندیده

با یکدیگر، ایشار نسبت به برادران دینی، ترک سرزنش (وَ تَرَكَ التَّعْيِيرَ؛ ۲۰)، برکنده شدن کینه مؤمنان از دل و رفتار فروتنانه با مؤمنان (وَ أَنْزَعَ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ أَعْطَفَ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ؛ ۱۲۷/۴۷) درخواست دیگری است که فراتر از هوش معنوی می‌توان از آن یاد کرد.

۲-۳-۴-۴. بخشش و آمرزش

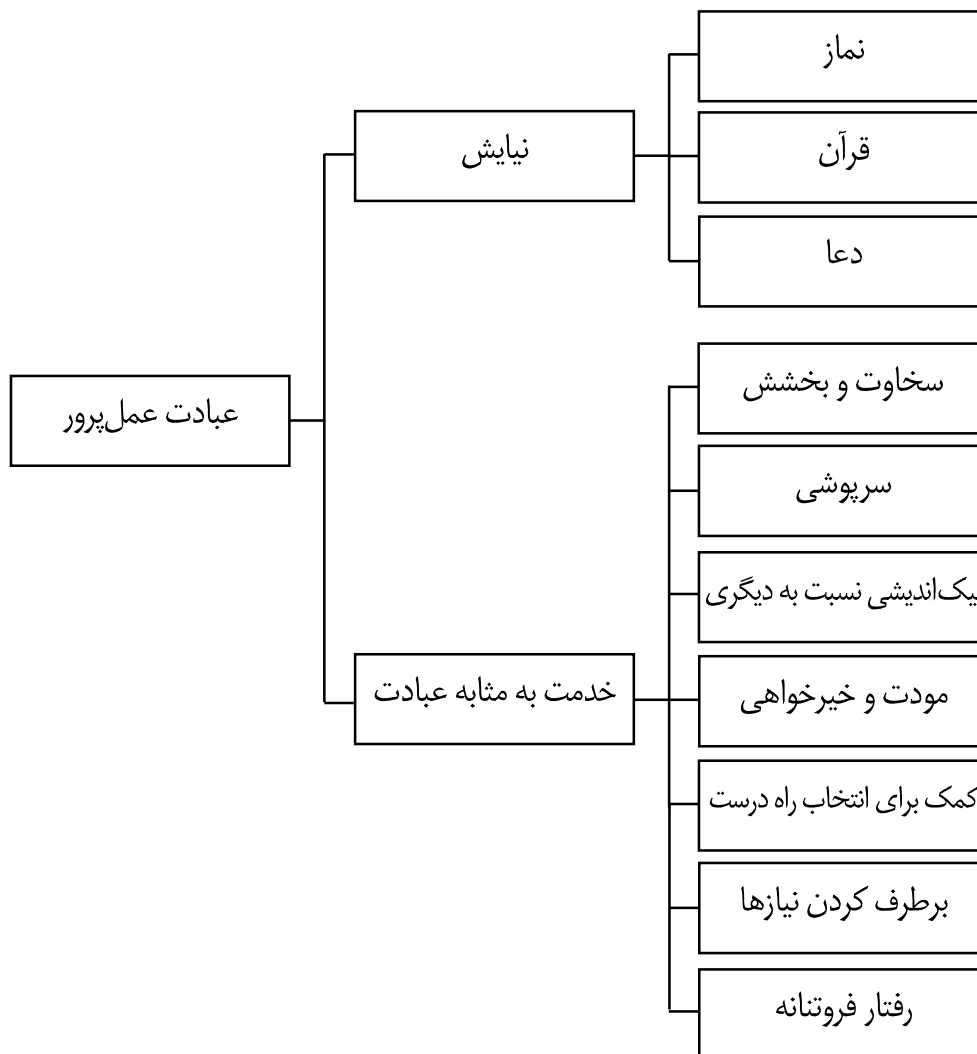
در ادبیات مربوط به هوش معنوی، بخشش (طلب عفو گذشت و چشم‌پوشی و نادیده گرفتن لغزش‌های دیگران) یکی از مؤلفه‌های مهمی است که سبب جلب محبت دیگران می‌شود و دیگران را خوش‌بین، وفادار و بامحبت نگه می‌دارد. حضرت پس از طلب اتعتراف به فضل الهی، از او تقاضای آموزش، عفو و بخشش دارند (إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَ إِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ؛ ۱۵/۲۰) این نشان می‌دهد یکی از عوامل مؤثر در ابقای دین الهی و ادامه پیروی از شرع مقدس همین امید داشتن به آمرزش و عفو و بخشش از طرف پروردگار است (وَ إِلَى تَجَاوُزِكَ أَشْتَقْتُ، وَ بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ؛ ۱۵/۲۰) هر چند در خود، عملی شایسته عفو بخشش در گناه الهی نمی‌بیند (وَ لَا فِي عَمَلِي مَا أَشْتَقُّ بِهِ عَفْوِكَ؛ ۱۵/۲۰) یا خود را در احاطه گناهان ببیند (وَ أَشْتَقِيْلُكَ عَثْرَاتِي، وَ أَتَنْصَلُّ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي، وَ أَحَاطَتْ بِي فَأَهْلَكْتَنِي؛ ۸/۵۱) اما درخواست این بخشش امیدآفرین است و این امیدواری منشأ تحرک و فعالیت است. این که موجودی برتر، از خطاهای انسان درگذرد ضمن آرامش بخشی به انسان، او را در همین مسیر نگه می‌دارند که او نیز از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کند و این گونه از خداوند استعانت جهت بخشش دیگران داشته باشد (وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ؛ ۹/۲۰).

خصومت و دشمنی نقطه مقابل این فضیلت اخلاقی است. نظر به اینکه بخشش موجب کاهش فشار روانی ناشی از دشمنی و خصومت می‌شود و در درمان اضطراب و افسردگی است؛ امام سجاد علیه السلام با زبان دعا به ما می‌آموزد که در برابر رفتارهای دیگران مخاصمه نداشته باشیم؛ زیرا خداوند کسی است که از بدی‌ها چشم‌پوشی می‌کند و متصف

به این وصف است: «یا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۱/۲).

۴-۵. عبادت عمل پرور

درک مسائل معنوی و انجام مناسک و آیین‌های دینی به فهم انسان از عبادات و اثربخشی آن در زندگی کمک می‌کند و افراد توانمند در این خصوصیت آن را در زندگی شخصی تجربه می‌کنند که می‌تواند بخشی از هوش معنوی را در بر گیرد. عبادت انواع مختلفی دارد که از بعد مناسکی دین تا خدمت به دیگری گسترده است.



نمودار شماره ۵: مضامین «عبادت عمل پرور»

۱-۴-۵. نیایش

عبادت و بندگی در حضور پروردگار خضوع و خشوع انسان در مقابل آفریدگار است و این امر با رکوع و قعود و سجود تحقق می‌بخشد؛ اما دعا و درخواست از خداوند، بالاتر و برتر از هر عبادتی است. دعا این قدر دارای اهمیت است که در قرآن آمده است: پیامبر به مردم بگو اگر دعا و درخواست‌شان نبود پروردگار به شما اعتنا نمی‌کرد و نزد او قدر و ارزشی نداشتید (فرقان، ۷۷). امام سجاده علیه السلام در فرازی از دعای مکارم اخلاق چنین با خداوند مناجات می‌کنند (وَ تَوَجَّيْنِي بِالْكَفَايَةِ، وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ، وَ هَبْ لِي صِدْقَ الْهَدَايَةِ، وَ لَا تَقْتِنِي بِالسَّعَةِ، وَ اَمْنَحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ، وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا...؛ ۱۲/۲۰) از این فراز این گونه به دست می‌آید که برای رند شدن دعا (وَ لَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا؛ ۱۲/۲۰) شرایطی وجود دارد که این شرایط باید مورد توجه واقع شود و باید انسان از این شرایط آگاهی داشته باشد تا در موقع دعا آن را برطرف کرده و بتواند به گونه‌ای دعا کند که خواسته و درخواستش مورد صلاحیت استجاب باشد. البته در اینجا باید گفت که خدا از هر مهربانی به ما مهربان‌تر است و انسان امیدوار است که خداوند بزرگ اشتباهات و لغزش‌های ما را به فضل خود ببخشد و از روی مهر و محبت خود با من رفتار کند.

از نظر امام، قرآن یکی از اموری است که پرداختن بدان برکات فراوانی دارد. ایشان قرآن را شفابخش امراض روحی و جسمی می‌دانند (وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّةِ صَمَائِرِنَا، وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا؛ ۱۱/۴۲)؛ همچنین آن را سامان‌بخش امور از هم گسیخته و نظم‌دهنده به زندگی بیان می‌کنند (وَ اَدِّمِ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا؛ ۱۱/۴۲).

قرآن در فرازی دیگر از همین دعا، سبب فهم دقیق انسان را فراهم می‌کند. زمانی که قرآن با تدبیر قرائت شود ضمن شفادهی صدور، امام از خداوند درخواست می‌کند که فهم شگفتی‌های قرآن را نصیب او کند: «وَ لِمَا طَوَّتِ الْغَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصَفِّحِ الْإِعْتِبَارِ

نَاشِرًا، حَتَّى تُوصَلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعَفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ» (۱۰/۴۲)؛ همچنین حضرت در فرازی دیگر قرآن را عاملی می‌داند که سبب حبس گناهان می‌شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا، وَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا، وَ لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا» (۱۱/۴۲)؛ منظور از «حابس» دیواری است که بر اثر مؤانست با قرآن به دور انسان ایجاد می‌شود و مانعی در برابر گناهان است (اعراف، ۱۶۵)؛ همچنین از نظر امام کسانی که به قرآن معتقدند آنان را از شر شیطان محفوظ می‌دارد. کارکرد دیگری که امام برای مؤانست با قرآن ذکر می‌کند دورکننده فقر و تهیدستی و گسترش روزی است (وَ اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ حَلَّتْنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَ سُقِّ إِلَيْنَا بِهِ رَعْدَ الْعَيْشِ؛ ۱۲/۴۲)؛ همچنین قرآن آثار و برکات دیگری چون حفظ زبان از باطل (وَ جَبَّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمُدْمُومَةَ وَ مَدَانِي الْأَخْلَاقِ؛ ۱۲/۴۲)، دوری از کفر و نفاق (وَ اغْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ؛ ۱۲/۴۲)، دوری از وسوسه‌ها و آلودگی‌های نفس، ترغیب به عمل و دوری از آرزوهای واهی (حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَّاتِكَ قَائِدًا، وَ لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَ تَعَدِّي حُدُودِكَ ذَائِدًا، وَ لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا؛ ۱۲/۴۲) نیز دارد که در فرازهای همین دعا آمده است.

۲-۴-۵. خدمت به دیگری به مثابه عبادت

برطرف کردن نیازهای دیگری مصداقی از ایمان به خداوند و عبادت است: «مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ وَ جَارُهُ جَاءُ» (کلینی رازی، ۱۳۶۵، ج ۱۴، ص ۶۶۸، ح ۲)؛ از این رو امام خود را در برابر همسایگان و سایر مؤمنان مسئول می‌داند و از خداوند می‌خواهد که توفیق برطرف کردن نیازها و جلوگیری از فقر آنان را به او عطا کند (وَ تَوَلَّيْنِي فِي حَيْرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، ... وَ سَدَّ حَلَّتِيهِ؛ ۱/۲۶-۲). سخاوت و بخشش نسبت به آنان و

برطرف کردن حوائج قبل از طلب کردن (وَ الْعُودِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْإِفْصَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السَّوَالِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَهُمْ؛ ۲/۲۶)، پنهان کردن اسرار آنها (وَ كَثْمَانِ أَسْرَارِهِمْ؛ ۲/۲۶)، در گذشته از خطاهایشان (وَ سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ؛ ۲/۲۶)، کمک به دیگران در انتخاب راه درست (وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ؛ ۲/۲۶) مودت و خیرخواهی خالصانه برای انتخاب تصمیم صحیح (وَ مُنَاصَحَةِ مُشْتَشِيرِهِمْ؛ ۲/۲۶)، نیک‌اندیشی نسبت به دیگری (وَ اسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِ؛ ۳۲/۲۶)، رفتار فروتنانه با دیگری (وَ أَلَيْنُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضِعًا؛ ۲/۲۶)، دل‌داری در مصائب (وَ أَرْقِ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً؛ ۳/۲۶) بخشی از وظایفی است که امام سجاد علیه السلام آن را به مثابه عبادت الهی دانسته از خداوند تقاضا دارند تا او و دیگران را برای این امر به بهترین شیوه یاری کند تا سنت و آیین الهی را در رفتارهای نیکو به پا دارند (وَ وَقَّهْمُ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ؛ ۱/۲۶).

۴-۶. پذیرش و انعطاف

بالا بردن ظرفیت وجودی در برخورد با مسائل و مشکلات و تاب‌آوری در برابر مصائب و تجربیات ناگوار زندگی مقاومت و تحمل انسان را تقویت می‌کند. انسان‌های با ایمان و برخوردار از تعالی معنوی که خود از جنس توانایی است و بهره‌مندی از هوش معنوی را نیز به دنبال دارد.

۱-۴-۶. صبر و شکیبایی

این مؤلفه در منابع دینی به‌خصوص در کتاب صحیفه سجادیه نیز به کرات آمده است: «فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبَّ ذُرْعًا، وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ...» (۱۰/۷).

صبر از راهبردهای مقابله مذهبی در برابر سختی و حالات دشوار روانی است که

به انسان کمک می‌کند به همه توان و امکانات و ظرفیت خود برای رسیدن به هدف استفاده کند. امام صبر و شکیبایی واقعی را صبری دائم و پایدار همراه با نیت صادق می‌دانند: «اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَ تَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ ... وَ أَيْدِي مَنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ» (۱۴/۱۴). امام سجاد علیه السلام خداوند را به علت صبر در برابر اشتباهات انسان‌ها و احسان و لطفش، خطاب قرار می‌دهد و الگویی را در مقابل انسان قرار می‌دهد که انسان بتواند در برابر اشتباهات دیگران صبر پیشه کند و لطف و احسان و انعام خود را از آن‌ها دریغ نمی‌کند: «هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ؛ ۱۵/۴۹»؛ در پیش گرفتن چنین الگویی ضمن اعتراف و اقرار به اعمال اشتباه، ایجاد صمیمت، پناه دهی دیگران به او، رضایت‌مندی و در امان ماندن از کیفر کارها خواهد بود (اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَةِ الرَّفِيعَةِ، وَ الْعُلُوِيَةِ الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَجْدِكَ...؛ ۱۶/۴۹).

۲-۴-۶. رضایت به تقدیر الهی

باور به قدرت لایزال الهی یکی دیگر از مضامینی است که در دعای امام سجاد علیه السلام بیان‌گر پذیرش آن چیزی است که تحت قدرت الهی است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ، وَ أَنْتَ مُتَّجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَ بِكَ اسْتِعَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ...» (۲۰/۲۰). در این فراز از دعا امام سجاد علیه السلام سه امر مهم که حاکی از قدرت و حاکمیت ذات اقدس الهی بر نظام خلقت است را ذکر کرده است: جایگزین شدن هر چه فوت شود در نزد خداوند (وَ عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ؛ ۱۲/۲۰)، وجود جایگزین سالم و صحیح برای هر چه فاسد شود (لَمَّا فَسَدَ صِلَاحُ؛ ۱۲/۲۰) و سوم تغییر دادن اموری که بدان رضایت ندارد (وَ فِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرِ؛ ۱۲/۲۰).

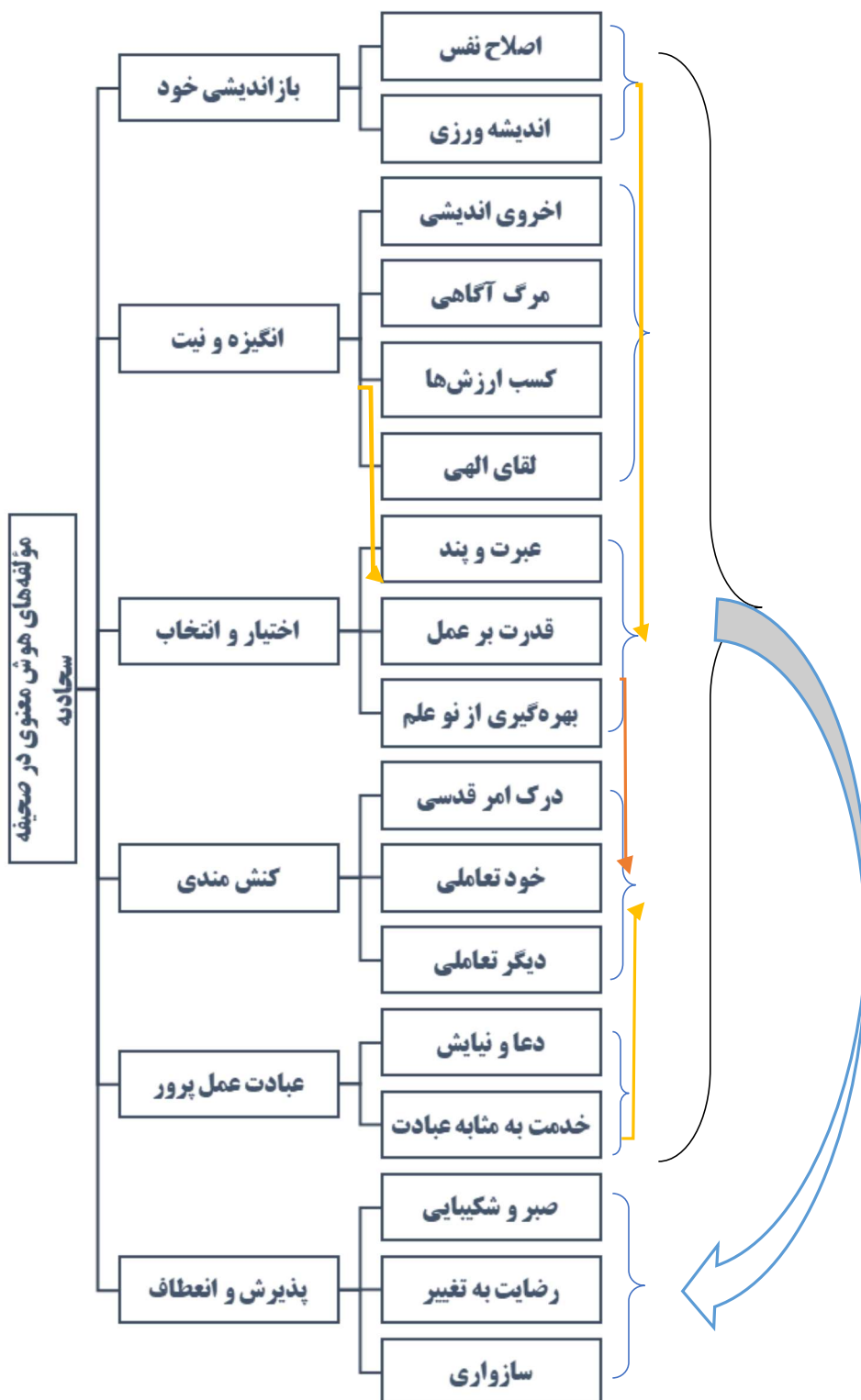
آگاهی هشیارانه و سازگاری با وقایع و تجارب زندگی و پرورش خودآگاهی از جمله عوامل مؤثر در رشد هوش معنوی است. علاوه بر این، برخی روش‌ها، راهبردها و تمرین‌ها برای رشد آن مفید تلقی می‌شود. مثلاً وگان معتقد است (Nasel, 2004, p. 62) هوش معنوی از طریق افزایش وسعت نظر و گشودگی و داشتن نظرگاه‌های مختلف، حساسیت زیاد نسبت به تجارب و واقعیاتی نظیر حالت تعالی (ماورایی) و موضوع‌های معنوی، فهم عمیق‌تر نمادها و بازنمایی افسانه‌ها و کهن‌الگوهای ناهشیار کشف نشده، افزایش می‌یابد. امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعا از خداوند می‌خواهند تا به او کمک کند در هنگام گرفتاری با قبول و پسندیدن آنچه پیش آمده، بتواند بر مشکلات قائل آید (وَ حَبِّ اِلٰی مَا رَضِیْتَ لِي، وَ یَسِّرْ لِي مَا اَحْلَلْتَ بِي؛ ۶/۱۵) و نیک‌اندیشی پایانی یعنی داشتن اعتقاد به سرنوشت نیک در مشکلات، موجب می‌شود به امید عاقبتی خوش، آن مشکل پشت سر گذاشته شود. این امر علاوه بر اینکه سلامت روحی فرد را به دنبال دارد موجب افزایش امید به زندگی نیز می‌شود و از مؤلفه هوش معنوی است که فرد هر آنچه را دیگران منفی می‌نگرند او با دید مثبت از آن استقبال می‌کند. امام سجاد علیه السلام با پذیرش مقدرات الهی و رضایت دادن به خواست و رضای حق (وَ وَقَفْنِي لِقَبُولِ مَا قَصَيْتَ لِي وَ عَلٰی وَ رَضْنِي بِمَا اَخَذْتَ لِي وَ مِنِّي؛ ۱۳/۱۴)، از خداوند قرار گرفتن در مسیر هدایت را خواستارند (وَ اِهْدِنِي لِلتِّي هِيَ اَقْوَمُ؛ ۱۳/۱۴) این همان مسیری که انسان را به کنش درست می‌کشاند (وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ اَسْلَمُ؛ ۱۳/۱۴).

نتیجه‌گیری

هوش معنوی به ارتباط با پرسش‌های عمیق مانند معنای زندگی، ارتباط با دیگران، ارزش‌های شخصی و روحانیت می‌پردازد. افرادی که در این نوع هوش برجسته هستند، معمولاً توانایی‌هایی مانند خودآگاهی عمیق، تفکر انتقادی در مورد مسائل

معنوی و توانایی برقراری ارتباط عمیق با دیگران را دارا هستند. اهمیت هوش معنوی به خصوص در جامعه‌هایی با تنوع فرهنگی و مذهبی بالا مشهود است؛ زیرا این نوع از هوش می‌تواند به فرد کمک کند که درک بهتری از ارتباطات میان مردم از پس زندگی در محیط‌های پیچیده برآید. سازه هوش معنوی برای رشد و تقویت نیازمند توجه به برخی مؤلفه‌هاست. صحیفه سجّادیه، به‌عنوان یکی از منابع مهم در اسلام، شامل دعاها، مناجات، توصیفات معنوی و آموزه‌های ارتقاء روحی است. این صحیفه به افراد کمک می‌کند تا ارتباط عمیق‌تری با دین، خداوند، خود و دیگران برقرار کنند.

خودآگاهی به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی نقش مهمی در ایجاد ارتباط با دیگر مؤلفه‌ها دارد. آگاهی از خود و محیط اطراف انسان نقطه شروع برای توسعه هوش معنوی است. خودشناسی و خودآگاهی شخصی می‌تواند از روش اندیشه در خود، واریسی کردن اهداف و آرزوهای فرد، توجه به پیام‌ها در رؤیاها و نشانه‌های شهودی و پیدا کردن معنا در تجربه‌های بیرونی عمیق شوند. در همین ارتباط ویژه یادگیری گوش دادن و اعتماد کردن به ندای درونی فرد، امری اساسی است. این اعمال منجر به درجه بالاتری از خویشتن‌پذیری، درک پیوندهای میان مردم و حوادث گوناگون و اطمینان به فرایند زندگی و نظم در جهان هستی می‌شود. انتخاب و اختیار به‌عنوان دو مؤلفه مهم در ایجاد انگیزه و توانایی انتخاب نقش دارند. این دو مؤلفه تأثیر مستقیمی بر تصمیمات و انجام عمل دارند. کنش‌مندی‌ها نشان‌دهنده تعامل با دیگران و جستجوی ارتباط معنوی است که از ارتباط با دیگران به‌منظور رشد معنوی حمایت می‌کند. عبادت و عمل به‌مثابه عبادت نشان‌دهنده تلاش برای عمل به‌عنوان بخشی از رشد معنوی و خدمت به دیگران است. پذیرش و انعطاف‌پذیری به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در مقابله با تغییرات و مشکلات نقش دارد و باعث تقویت هوش معنوی می‌شود. الگوی مفهومی مؤلفه‌های هوش معنوی در صحیفه سجّادیه و ارتباط میان آن‌ها در نمودار زیر آمده است:



نمودار شماره ۶: الگوی مفهومی مؤلفه‌های هوش معنوی در صحیفه سجاده

فهرست منابع

* قرآن کریم

* صحیفه سجادیه.

۱. احمدی فراز، مهدی. (۱۳۹۵). صحیفه سجادیه با اشاراتی به بهداشت روانی. تهران: نشر معارف.
۲. حسینی شاهرودی، سیدمرتضی؛ شایسته، ریحانه. (۱۳۹۶). هوش معنوی، مؤلفه‌ها و مبانی آن در حکمت متعالیه. پژوهش‌های فلسفی، شماره ۷۱، صص ۷-۳۱.
۳. زارعی، میکائیل. (۱۳۹۴). هوش معنوی از نگان اسلام و مکاتب غربی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۱(۱۰۵)، صص ۹۵-۱۲۸.
۴. سالاری فر، محمدرضا؛ دولتخواه، محمد؛ شجاعی، محمدصادق و موسوی اصل، سیدمهدی. (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۵. سهرابی، فرامرز؛ اسماعیلی، ناصر. (۱۳۹۲). هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن. تهران: انتشارات آوای نور.
۶. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰)، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۷. عسکری وزیری، علی؛ زارعی متین، حسن. (۱۳۹۰). هوش معنوی و نقش آن در محیط کار با تأکید بر آموزه‌های دینی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱(۳)، صص ۶۳-۹۰.
۸. فهری زنجانی، احمد. (۱۳۸۸). شرح و ترجمه صحیفه سجادیه (ج ۲). تهران: اسوه.
۹. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج ۲، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامی.

۱۰. قربانزاده، لیلا. (۱۳۹۲). تأثیر هوش معنوی بر عملکرد کارکنان در سازمان. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، شماره ۵، صص ۵۲-۵۹.
۱۱. قنبری، سیروس؛ کریمی، ایمان. (۱۳۹۵). مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۴(۱۳)، صص ۹۹-۱۱۹.
12. Braun, Virginia & Victoria Clarke. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101.
13. zohar, Marshall. (2000). *SQ- Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloombury.
14. Waughan, F. (2000). what is spiritual in telligence? *Journal of Humanistic Psycholigy*, 42(2), pp. 16-33.
15. Stevens, B. (2000). What about spiritual intelligence? *St.Marks Review*.167,1996, pp. 19-22. Sin Ter, Spiritual intelligence: What we can learn from the early conscious child.
16. levin, Michal. (2001). *Spiritual intelligence: awakening the power of your spirituality and Intuition*. Coronet: London.
17. Nasel, D. (2004). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A Consideration of Tra-ditional Christianity and New Age/Individualistic Spirituality*. University of South Australia.
18. Gardner, H. (1999). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the 21st century*. New York: Basic Book.
19. Emmons. (1999). *The psychology of ultimate concern: Motivation and spirituality in personality*. New York: The Guilford Press.
20. Emmons. (2000). Is Spirituality and Intelligence?, *The International Journal for the Psychology of Religion*, pp. 327-324.

References

* al-Sahifa al-sajjadiyya

1. Abedi Ja'fari, H., Taslimi, M. S., Faeghi, A., & Sheikhzadeh, M. (2011). Content analysis and content network: A simple and efficient method for elucidating patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought*, 5(10), pp. 151-198. [In Persian]
2. Ahmadi Faraz, M. (2016). *Sahifeh Sajjadiyeh with references to mental health*. Tehran: Nashr-e Ma'aref. [In Persian]
3. Askari Vaziri, A., & Zarei Matin, H. (2011). Spiritual intelligence and its role in the work environment with an emphasis on religious teachings. *Islam and Educational Studies*, 1(3), pp. 63-90. [In Persian]
4. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101.
5. Emmons, R. A. (1999). *The psychology of ultimate concern: Motivation and spirituality in personality*. New York: The Guilford Press.
6. Emmons, R. A. (2000). Is spirituality intelligence? *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), pp. 3-26.
7. Fahri Zanjani, A. (2009). *Interpretation and translation of Sahifeh Sajjadiyeh* (Vol. 2). Tehran: Osveh. [In Persian]
8. Gardner, H. (1999). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the 21st century*. New York: Basic Books.
9. Ghorbanzadeh, L. (2013). The impact of spiritual intelligence on employee performance in organizations. *Human Resource Management Research*, (5), pp. 52-59. [In Persian]
10. Hoseini Shahroodi, S. M., & Shayesteh, R. (2017). Spiritual intelligence, its components, and foundations in the sublime wisdom. *Philosophical Studies*, (71), pp. 7-31. [In Persian]
11. Kulayni Razi, A. (1986). *Al-Kafi* (4th ed., Vol. 2). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

12. Levin, M. (2001). *Spiritual intelligence: Awakening the power of your spirituality and intuition*. London: Coronet.
13. Nasel, D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity and new age/individualistic spirituality*. University of South Australia.
14. Qanbari, S., & Karimi, I. (2016). Components of spiritual intelligence in Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Researchl*, 4(13), pp. 99-119. [In Persian]
15. Salari Far, M., Doulatkhaah, M., Shojai, M. S., & Mousavi Asl, S. M. (2010). *Mental health with a focus on Islamic sources*. Tehran: Samt. [In Persian]
16. Sohrabi, F., & Esmaili, N. (2013). *Spiritual intelligence and its measurement scales*. Tehran: Avaye Noor. [In Persian]
17. Stevens, B. (2000). What about spiritual intelligence? *St. Marks Review*, 167(1996), pp. 19-22.
18. Vaughan, F. (2000). What is spiritual intelligence? *Humanistic Psychology*, 42(2), pp. 16-33.
19. Zarei, M. (2015). Spiritual intelligence from the perspective of Islam and Western schools. *Islamic Social Studies*, 21(105), pp. 95-128. [In Persian]
20. Zohar, M. (2000). *SQ- Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.